



شجره خبیثه هگل و جنون دیالکتیک

قسمت اول:

حمله به هسته اصلی دین شیطان،
کالکتیویسم، سوسیالیسم، فاشیسم

شجره خبیثه هگل و جنون jannatkhah.site ... more [دیالکتیک](#)

دیگه از زئوپلیتیک و بحث های سطحی
خارج میشیم و میریم به قلب فلسفه، تا
به تدریج بفهمیم چرا گزاره «تنها نظام
صوری با ثبات برای مفهوم آزادی، دین
است» بزرگترین و مهم ترین ادعای
فلسفی ۱۴۰۰ سال اخیره.

این پست ها لایک خور نداره، شیر هم
نمی شه، پول هم ازش در نمیاد

فلذا اگر ببینم به جیبم داره آسیب می زنه، ول
می کنم برای مدتی طولانی که به جیب برسم.

ولی اثر این مطالب، نه تنها در زندگی تک تک
شماها موثره، در زندگی بچه های شما و نوه
های شما و یک ملت موثره.

نتیجتا حتی اگر نفهمیدید یا
خووندید هم لایک کنید بره
توى اکسپلورر بقیه. این دیگه از
جونتون کم نمی کنه.

سر شاخ شدن با هگل، ریشه فلسفی
تفکرات کمونیستی، کار ساده ای نیست.
تمامش سختی و سردرد و تنها یه.

نقطه مقابله هگل، میشه میزس و مکتب اتریش

**همانطور که نقطه مقابله جمع گرایی کالکتیویسم
(سوسیالیسم و فاشیسم و ناسیونالیسم) میشه
فردگرایی**

که نقطه مقابله دولت میشه آزادی

که نقطه مقابله هراکلیتوس میشه ارسسطو

**که نقطه مقابله خدای اسپینوزایی میشه خدای ادیان
ابراهیمی**

**که نقطه مقابله بندگی انسان ها میشه فقط بندگی
خدا**

که دعوا سر خداناباوری و خداباوریست

**و برای پیدا کردن این صفات آرایی، پوست از سرم
کنده شد.**

خدا

آزادی

خانواده

میهن

مطلوب من طی ۲ سال گذشته در ارتباط با لیبرالیسم، مفهوم آزادی و دین، نگرش شما نسبت به دین را چه تغییری داده است؟



۴۸ درصد تغییر نگاه به دین و آزادی، عدد بسیار بزرگیه، من فکر نمی‌کردم اینقدر بازدهی داشته باشه واقعیتش. تازه می‌دونم که اکثرا هم مطالب رو نمی‌خوونن.

اون ۳۵ درصد بسیار تاثیر گذارند.

دارم یه کار تحقیقی مفصل راجع به هگل و ریشه های خطرناک جنون دیالکتیک در کمونیسم و فاشیسم انجام می دم که بعد ایشالا یه ویدیو یا لایو ۳ ساعته ازش در بیاد.

در این میان چیزی که یهو دیدم و سوسياليست ها ازتون پنهان می کنند:

**نامه کارل مارکس به
واسیلیویچ آنکوف بود.**

مارکس صراحتا از بردۀ داری دفاع می کنه. استدلالش هم **دیالکتیکیه**.

از آقای کپسول قهوه ای مارکسیست لننیست، بپرسید برآتون یه لیست کتاب در مدح بردۀ داری ردیف کنه.

Let me now give you an example of Mr Proudhon's **dialectics**.

Freedom and slavery constitute an **antagonism**. There is no need for me to speak either of the good or of the bad aspects of freedom. As for slavery, there is no need for me to speak of its bad aspects. **The only thing requiring explanation is the good side of slavery.** I do not mean indirect slavery, the slavery of proletariat; I mean direct slavery, the slavery of the Blacks in Surinam, in Brazil, in the southern regions of North America.

این کلمات **دیالکتیک**، **آنتاگونیست** و **باقی کلید واژه های فلسفی ریشه تروریسم کمونیستی** رو از زبون سوسياليست ها زیاد می شنوید، تو مناظره من با دخانچی هم زیاد اینا رو شنیدید.

یکی از دلایل جهش سریعی که من نسبت به باقی دوستان در حوزه های مختلف دارم، استفاده درست هنرمندانه از تکنولوژیه

حجم مطالعه من از او نا بیشتر نباشه، قطعاً کمتر نیست، فقط فرق مون اینه که به ابزارهای روز سرمایه داری! مثل هوش مصنوعی مسلطم، نقشه مطالعاتی خودم رو اول دیزاین می‌کنم. بعد یه خط سیر رو شروع می‌کنم خووندن.

منابع مطالعاتی اونا، کتاب های ترجمه شده بازاره که عمدتاً در دست سوسیالیست ها و هگلی هاست، چیزی که بقیه می خوان ایرانی ها بخوونن.

منابع مطالعاتی من، کتاب های ترجمه نشده غایب در بازاره. چیزی که بقیه نمی خوان ایرانی ها بخوونن.

برای همین دائم دارم گراف دانش خودم رو آپدیت می‌کنم.

نقطه مقابله هکل، میشه میزس و مكتب اتریش

همانطور که نقطه مقابله جمع گرایی کالکتیویسم
(سوسیالیسم و فاشیسم و ناسیونالیسم) میشه
فردگرایی

که نقطه مقابله دولت میشه آزادی

که نقطه مقابله هراکلیتوس میشه ارسسطو

که نقطه مقابله خدای اسپینوزایی میشه خدای ادیان
ابراهیمی

که نقطه مقابله بندگی انسان ها میشه فقط بندگی
خدا

که دعوا سرخاناباوری و خداباوریست

و برای پیدا کردن این صفات آرایی، پوست از سرم
کنده شد.

این جبهه بندی بالا رو یادتون باشه.

من در حال تجهیز ادواء مبارزه
خودم در تک تک این جبهه ها هستم.

نخ تسبیح متصل کننده تمام
کلمات سبز رو کتاب میکنم.

بعد از گذشت ۵ سال از عمومی
نوشتن من

هنوز منتقادان و دشمنان و تهمت
زندگان و فحش دهندگان من

هیچ استدلال یا ۳ پاراگراف مکتوبی
نداشتند که بدون حمله شخصی، در
هر حوزه ای که نوشتم، اثبات کنند
که بی سوادم یا غلط نوشتم. تا
امروز ۵ ساله هیچکس چنین کاری
نکرده و نتوانسته بکنه.

تمام حملات، از جنس تهمت بی سند، داستان سرایی، حمله شخصی، توهین، فلانی مريض روانیه و ... است.

حتی یک ریال وام هم تو زندگیم نگرفتم،

حتی یک ریال پول دولتی نگرفتم.

حتی یک قسمت یا سندی مبنی بر هیچ نقض حقوق مالکیت دیگری از من پیدا نکردند.

حتی یک پاراگراف مستدل هم در رد نوشته هام نداشتند.

دو تا نهاد امنیتی زندگی من رو بالا تا پایین گشتند، هیچ نقطه تاریک یا شبیه به تاریک در زندگی من ندیدند.

در هر حوزه ای که نوشتتم، حداقل یکی دو متخصص دارای مقبولیت عمومی، یا تاییدم کردند یا دست کم روش شناسی من رو درست دونستند.

در حالی که اکثریت‌شون با من مشکل دارند و رشد مخاطبان من به دلیل ورود به مسائل پیچیده‌تر و غیر عامه‌پسند، متوقف شده.

حتی می‌گن برای لایک می‌نویسم هم وارد نیست. برای پول هم وارد نیست.

اگر من از ژئوپلیتیک تا فلسفه و نقد هگل تونستم اینقدر متنوع بنویسم که همه در طی زمان ثابت شدند، صد درصد استعداد شیره مالیدن و تجاری کار کردن و خیلی کارهای دیگه رو داشتم.

ولی من نه برای مخاطب می‌نویسم نه برای احدی، من برای خود اندیشه و حقیقت می‌نویسم. هرجا هم ببینم مسیر حقیقت چیز دیگریست، مسیر قبلی رو عوض می‌کنم. مثل آب خوردن. راضی هم هستم. اصلا همین که این مسیر رو رفتم جای مسیر پول بیشتر درآوردن هم راضیم.

می گن مثلا فحش نده یا رسمی تر
عمل کن که بتونیم باهات مصاحبه
کنیم یا دعوتت کنیم برنامه امون.

یا اگه فلاں جور بنویسی بیشتر
جدیت می گیرن.

ولی اگه هایلایت های مغز رو
خوونده باشید، دقیق متوجه
می شین اینجا رو:

که خلاقیت، زاده آزادیست.
مغز باید آزاد باشه تا خلاق بشه.

خلاقیت زاده اندیشه است، و
اندیشه، زاده شور و عشقه، و
شور و عشق، زاده آزادی.

رفتار کارل مارکس لعنت الله
عليه با دخترانش بى نظير بوده.
رفتاري مشابه همه جنایت کاران
تاریخ (قابل توجه فمینیست های
مالنده مارکس)



از آموزش منعشون گرده بود، از
مسیر شغلی منعشون گرده بود و با
خواستگارهاشون هم دعوا می کرد.

دو تا دختر مارکس که از پدر
ترویستشوں جان سالم به در برده
بودند، به زندگی خودشون پایان
دادند.

فقط «فریدی» پسر مارکس که با پدر تروپریستش زندگی نمی‌کرد، موفق شد تا ۷۷ سالگی عمر کنه و به مرگ طبیعی بمیره.

در واقع از ۶ بچه مارکس، ۴ تا شون از جمله دختر بزرگه، قبل از این که پدر تخم جنشون بمیره، مردن.

تا اینجا او مددی یه لعنت برای تمام شجره خبینه هگل، طرفداران جنون دیالکتیک، طرفداران هر نوع عرفان، هر نوع جمع گرایی و کالکتیویست، فاشیست، دولت گرا، دولت پرست و سوسیالیست من جمله مارکس لعنت بفرست.

از چنین انسان شیطانی و بیماری،
اون افکار بیمار با طرفداران بیمار
درمیاد.

افکار سوسياليستى، فاشيستى،
دولت پرستى، جمع گرایى، عرفان
پرستى، به هر شکلی و به هر نوعی،
اگر مستقیماً از شیطان نباشه، حتماً
از یک بیمار سادیسمی در میاد.

اسب تروای گول زدن این‌ها «عدالت
آموزشی، عدالت بهداشتی، عدالت محیط
زیستی، عدالت جنسیتی، فمینیسم، عدالت
آلت خر و ...» است.

فقط یک انسان عقده‌ای و حسود و تنبیل و
بی‌سجاد و بدون عقل معاش، می‌تونه جذب
افکار سوسياليستی بشه.
اینا همه تروئیست هستند. بالذات.

یه چیزی بگم بین خودمون بمونه:

موسسان آن رژیم هم سوسیالیست و کمونیست بودند.

جنپش آزادی بخش فلسطین و عرفات و همه اونایی که باهاشون درگیر بودند و هستند هم سوسیالیست و چپ هستند.

و نتیجه گیری هم به عهده خودتون.

دیالکتیک هگل، مدعی اینه که به یک نظام صوری دست یافته که « تمام مسیر تاریخ » را از گذشته تا آینده می‌تواند به روش آکسیوماتیک ثابت کند. تمام حالات قدیم و جدید رو در قالب آکسیوماتیک توضیح دهد.

اما عظمت کار گودل در نظام صوری چیزی بود که من ازش می‌تونم متنوع در تمام نظام‌های صوری استفاده کنم:

هیچ نظام صوری کاملی وجود ندارد، یعنی وقایع و اتفاقات و گزاره‌هایی هستند که با اصول موضوعه همان نظام صوری، امکان اثبات یا تبیین آکسیوماتیک ندارند.

همواره گفتم، تمام مارکسیسم، تمام شجره خبیثه هگل، چون مدعی توضیح « تمام » وقایع هستند، با قضایای ناتمامیت گودل، در یک خط رد می‌شن. تاریخ هیچ مسیر از پیش تعیین شده‌ای ندارد. تغییر هم به همچنین.

به زبان ساده:

در تاریخ وقایعی رخ داده که ما نمی‌توانیم با هیچ فرمولی توضیح بدم که چرا رخ دادند

در آینده هم وقایعی رخ خواهند داد که با هیچ نظام صوری ای نمی‌شود از پیش حدس زد و با هیچ نظام صوری ای توضیحش داد.

اما جنون دیالکتیک، هرچیزی بهش بدی، مثل خمیر، ورزش میده و شکل دیالکتیک «مصنوعی ازش می‌سازه»

در واقع، جنون دیالکتیک، بازی گذشته نگره و گذشته رو به شکل مورد نظر خودش تحریف می‌کنه و میگه دیدید همون شکلی شده که ما می‌گفتیم.

همینجوری، همه آزادی‌های زاده سرمایه داری و لیبرالیسم رو به اسم خودشون می‌زنند، از قوانین کار گرفته تا ... در حالی که کذب محضه.

در حالی که در طول تاریخ، ما یه نبرد خیلی تکراری داشتیم تا اینجا که هیچ سنتزی روش رخ نداده.

تز بوده حقوق مالکیت (آزادی) و آنتی تز بوده جمع گرایی و نقض حقوق مالکیت (دشمنان آزادی)

معنای آزادی در طول تاریخ به زبان ادیان بوده «فقط بندگی خدا و عدم بندگی غیر خدا» و به زبان غیر دینی بوده حقوق مالکیت.

دشمنان حقوق مالکیت و آزادی هم، همواره با بهانه های مختلف كالکتیویستی، آنتی تز بودند.

و تا امروز در عمل مطلقا هیچ سنتزی در مورد این دو تز و آنتی تز رخ نداده.

در واقع هگل فقط وقت خودش و یک کره زمین رو گرفت و یه حرفی زد که نتیجه اش بشه صدها میلیون نفر کشته.

در تمام تاریخ عده ای در صلح زندگی می کردند و حقوق مالکیت هم رو رعایت می کردند. **تُز**

و در تمام تاریخ، عده ای، عده دیگه رو به بندگی می گرفتند (با تصرف اموال و نقض حقوق مالکیت یا اجبار به انجام کاری علیه اراده آزاد و نقض حقوق مالکیت یک فرد بر بدن خودش). **آنچی تُز**

رهبران آزادی و پیامبران هم میومدند و با اصل توحید، عدم بندگی دیگران و به بندگی نگرفتن دیگران، دوباره تیم تشکیل میدادند تا حقوق مالکیت برگردد.

من تاریخ رو اینطوری روایت کنم، هگل و مارکس و علی گلابی و همه با هم باید بشینند فکر کنند که **پس اون سنتز مزخرفشون کو؟** کجاست؟ **سنتز** رو به من نشان بده. نمی تونن. چون حرف مفت می زنند.

synthesis? Where are you?

تنها سنتزی که با اطمینان داره
لخ می‌ده،

فتوصیت!

اونم گیاهان عمدتاً انجام میدن و
پلانکتون های اقیانوس ها

بعد طرف یه جوری پشت بازو
می‌گیره که آی شما هگل نمی‌فهمید،
کتاب نخووندید، دکترای فلسفه
ندارید! آی هوار.

کسهر رو پیچیده بنویسی، چیزی از
کسهر بودنش کم و کسر نمی‌کنه.

هگل برای ۹۹.۹۹ درصد جامعه ما بته.

برای تحصیل کرده ها که بت بزرگه.

منم فکر کنم اولین بار جرات کردم بگم
پادشاه هگل لخته، لباسی تنش نیست.

حتی مخالف های هگل هم مثل مخالف
های مصدق، جرات بیان مخالفت نداشتند
حتی اگر استدلال داشتند یه جوری سعی
می کردند لیبرالیسم رو ازش تفسیر کنند.

خیر، هگل کسر محضه، خروجی هگل
هیچی جز انواع جمع گرایی و انواع
قاتلان روشنفکر و تحصیل کرده در تاریخ
نبوده و نخواهد بود.

امیدوارم مخالفان هگل هم مثل
مخالفان مصدق، جرات کنند بیان
وسط، دور هم سر قبر هگل بشاشیم.

اینقدر دیگه خط شکنی کردم، خط
شکنی شده عادت روزمره ام.

هر خط شکنی هم کردم دیگه به
حالت سابق برنگشته.

می دونستم نقد به سوسياليسم، هنوز به
اندازه کافی عميق نیست که ریشه
رذالت ها رو بکنه، ولی پیداش
نمی کردم، كالكتيويسم کلی تربود ولی
بازم ریشه نبود. هگل رو شروع کردم به
تبارشناصی فکری و mind map
کشیدن برای شروع مطالعه، يهو تمام
پازل برای من حل شد.

ریشه جنون دیالکتیک
هر آکلیتوس، عاشق جنگ، جدال،
جمله هر آکلیتوس عیناً از زبان هیتلر در آمده، از زبان
مارکس در او مده.

ریشه فکری و استدلالی و تبارشناصی همه
موارد زیر یکی هست و جنون دیالکتیکه و
سر دسته اشون هگله:

انواع جمع گرایی (سوسیالیسم، مارکسیسم، کمونیسم،
فاشیسم، نازیسم، فمینیسم و ...)

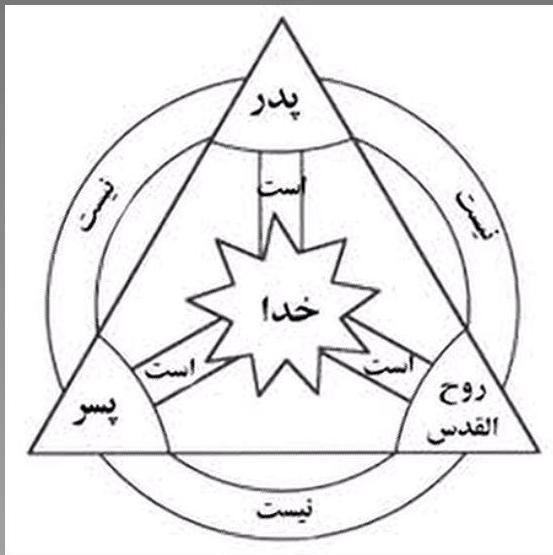
انواع عرفان (در همه ادیان) از عرفان یهودی کابالا
گرفته تا عرفان مسیحی و اسلامی تا عین القضا
همدانی!

گنوosi ها غنوosi ها که در جعل حدیث و نفوذ در تمام
تاریخ تا امروز، مغضل بودند.

روزاکروسین ها، فراماسونری

دولت گرایی، دولت پرستی، کینزین ها در اقتصاد.
آثئیست ها

خلاصه؟ قلب شیطان و دشمنان آزادی
رو نشونه گرفتم و منتظر سیلی از
حملات مختلف.



شاید برآتون جالب باشه که بدونید، هگل دیالکتیک رو از تثلیث مسیحیان ایده گرفت.

پدر، پسر، روح القدس
تُر، آنتی تُر، سنتز

در واقع تبارشناسی استدلالی و فکری همه قبلی ها که نوشتتم، با این تثلیت یکیه.
و صد البته هم این مورد کفره

فلذا خیلیا پرسیدند منظورت از دین به عنوان نظام صوری با ثبات برای مفهوم آزادی چیه؟ حتما مسیحیت به قبل نیست.
چون از تثلیت، او نا که گفتم درمیاد.

ریشه جنون دیالکتیک
هراکلیتوس، عاشق جنگ، جدال،
جمله هراکلیتوس عیناً از زبان هیتلر در آمده، از زبان
مارکس در آمده.

ریشه فکری و استدلالی و تبارشناصی همه
موارد زیریک . هست و جنون دیالکتیکه و
سر دسته اشون هله.

انواع جمع گرایی (سوسیالیسم، مارکسیسم، کمونیسم،
فاشیسم، نازیسم، فمینیسم و ...)

انواع عرفان (در همه ادیان) از عرفان یهودی کابالا
گرفته تا عرفان مسیحی و اسلامی تا عین القضا
همدانی!

گنوosi ها غنوosi ها که در جعل حدیث و نفوذ در تمام
تاریخ تا امروز، معضل بودند.

روزاکروسین ها، فراماسونی

دولت گرایی، دولت پرستی، کینزین ها در اقتصاد.
آتیست ها

خلاصه؟ ~~طبیعت شیطان و دشمنان آدمی~~
رو نشونه گرفتم و مستظر سیلی از
حملات مختلفم.

این لیست رو دیدید؟
استراکچر استدلالی و فکری همه
اشون با تثییث یکیه.
همه اشونم با هگل یکین.

هیچ وقت مثل چند روز اخیر فکر نمی‌کردم که شیطان تمام اطراف ما رو احاطه کرده.

به هزار شکل و فکر و ایده و اسم های بعضاً در ظاهر متضاد او مده.

تمام اشکال شیطان هم طلب خون می‌کنند. طلب جنگ می‌کنند. قربانی باید برد به درگاه شیطان.

تمام اشکال شیطان هم دشمنان آزادی هستند. وقتی همزمان دشمنان آزادی و دین هستند، فلذا خیلی واضحه که آزادی و دین نمی‌تونن جدا از هم باشند. دین هم منظورم مشخصه چه دینی و با چه اصول موضوعه ای.

بزرگترین رمزگشایی های فلسفی دست کم
۱۴ قرن اخیر رو برآتون حل کردم.

حالا می خواین باور کنید یا نکنید یا مسخره
کنید یا بگید توهمند زده. ولی جوری قلب
شیطان رو پیدا کردم که تا به حال کسی
پیدا نکرده بود به این وضوح و صراحة و
روانی و قابل فهمی.

اینا دمو هست.

و من اندر خم صفحه به صفحه نوشتن
کتابم که از ترس اینکه عمرم کفاف تموم
شدنش رو نده، مجبورم خرد خرد
همینجوری بنویسم تا حداقل سر نخ ها رو
از فکرم عمومی کرده باشم.

لینک حسن ختم در کانال تلگرام 

است بینیم خودس درین سریع . . .
[می نویسد] فیلسوف حقیقی همواره به دنبال وضوح و تمایز خواهد بود.
او سرخستانه سعی خواهد کرد تا نه همچون سیلابی گل آلود و شتابان بلکه شبیه
درباچه‌های سوئیس باشد که با آرامش‌شان ژرفای بسیار را با وضوح فراوان در
هم می‌آمیزند، ژرفایی که خود را دقیقاً از طریق وضوح نمایان می‌سازد. وُنارگی^۱
می‌گوید «شفافیت از خلوص نیت فیلسوف است». در مقابل، فیلسوف شیاد قطعاً
سعی خواهد کرد مثل تالران^۲ اندیشه‌هایش را با الفاظ پوشاند، بلکه بیشتر تقلا
می‌کند تا بی‌اندیشگی اش را پنهان کند؛ او مسئولیت درک ناپذیری فلسفه‌ی جعلی‌اش
را که ناشی از فقدان وضوح در تفکر خود وی است به گردن خواننده می‌اندازد. این
تشان می‌دهد که چرا در برخی آثار، مثل آثار شلینگ، لحن ارشادی اغلب تبدیل
به ملامت می‌شود؛ درواقع خوانندگان پیشاپیش و مکرراً به خاطر ناتوانی خود او
سرزنش می‌شوند. (رج بخش ۳)



نظر شوپنها و راجع به هگل

این رو جا انداختم

حرفای جدید همیشه چرت و عجیب
به نظر میان و اگر اینطور حسی
دارید طبیعیه و منم طبیعت ما جرا
رو پذیرفتم و نوشتم.

ولی اگه حرف جدید ندارید ریپلای
نزنید.

نفهمیدن حرفا هم ربطی به خنگی و
با هوشی نداره.

ولی حقیقتا بعضی وقتا نظراتی
می دید که مشخصه ۵ درصد حرفا رو
نخووندید حتی، او نجا فقط روش
تربیتی سنتی جوابه با ترکه خیس.

هگل، که از بالا توسط صاحبان قدرت به عنوان فیلسوف بزرگ تأیید شده نصب شده بود، یک شارلاتان بی‌سواد، بی‌روح، تهوع‌آور و کم‌هوش بود که به اوج جسارت در سرهم کردن و ارائه دیوانه و ارتین مزخرفات رازآلود رسید. این مزخرفات توسط پیروان مزدور به عنوان حکمت جاودانه با سر و صدای زیاد اعلام شده و به راحتی توسط تمام احمق‌ها پذیرفته شد، کسانی که به این ترتیب به هم‌سرایی کامل تحسینی که تا به حال شنیده شده، پیوستند. میدان گسترده تأثیر معنوی که هگل توسط صاحبان قدرت به آن مجهز شده بود، به او امکان داد تا **فساد فکری** یک نسل کامل را به انجام برساند.

اینم یه نظر دیگه از شوپنها و راجع به **هگل شارلاتان**

بزرگوار مثل من اعصاب نداشت

راهیابی شرک به دل انسان

از راه رفتن مورچه‌ای سیاه
در شب تاریک
بر تخته سنگی سیاه

پنهان‌تر است.

برای اجرای قانون نصف نصف
شدن اموال بعد از ازدواج در
آمریکا و اروپا:

پیش نیاز اینه که « دولت یا همون شیطان » تمام مسیر و اطلاعات کسب درآمد و خرید و فروش اموال و دارایی های هر زوج رو داشته باشه تا نصفش کنه.

حالا که دیگه فهمیدید آزادی یعنی رهایی از دولت، دولت کوچکتر آزادی بیشتر، مداخله دولت یعنی زمینه سازی بندگی غیر خدا کردن.
پیدا کنید پرتقال فروش را!

شیطان این شکلی مثل مورچه ای سیاه در تاریکی شب روی تخت سنگی سیاه حرکت می کنه.

اگر تمام این اطلاعات پرداخت و اموال ذخیره
نشه و به شکل تبادل های داوطلبانه بر اساس
حقوق مالکیت باشه

ممکنه مرد یا زن، درآمدی کسب کنند که فقط
خودشون با خریدار یا فروشنده بدونند، سندی
داشته باشند که هیچکس از آن مطلع نباشد و ...

فلذا مالیاتی هم به شیکم شیطان دولت نمی‌رود.

دست به نقد ترین و بدون دخالت دولت ترین مدل،
همونه که روز اول مهریه و نفقة و امثالهم
مشخص بشن، حقوق مشخص بشن، سر همچنان
توافق بشه و همونجا تعهدات انجام بده و مهریه
هم داده و هم گرفته بشه و تمام.
نداشتی و زیاد از جیبیت مهریه کردی؟ اگه طلب
مهریه کرد و نداشتی باید چوبش رو بخوری.
چون تو نخوری، بعدا همه می‌خورند.

قرارداد خوب و دقیق بیندید، تا
دولت (شیطان) رو دخالت ندید.

فمینیست ها هم توله های همون شیطان
(دولت) هستند

علم کز تو، ترا بستا ند

جهل از آن علم به بود صدبار

سنایی با همین بیت، جواب را بر سارپولسکی و
همه کسانی که میان با علم بگن انسان اراده آزاد
نداره رو داده.

علم که اراده آزاد تو رو نقض کنه، در واقع توی
واقعی رو ازت بگیره، جهل ازش بالاتره.

مقدمه دولتی سازی و تصمیم گیری دیگران به جای
تو برای زندگی و اموال تو، رد اراده آزاده.

آزادی و ادبیات و فرهنگ و علم و تمدن در ایران
به مراتب ریشه غنی‌تری نسبت به بقیه کره زمین
داره. تاریخ فقط یکی دو قرن آخر نیست، دنیا
هم فقط تا ده بیست سال آینده نیست. بازی
ادامه داره.

دشمنی این ها با زبان فارسی

دشمنی با فرهنگ، تمدن،
فلسفه، دین و آزادیه

شیطان از ادبیات فارسی
خیلی ضربه خوردہ.

این ادبیات برای بسط مفهوم
آزادی خیلی غنیه.

۱۶ ساله حداقل که فارسی رو
گذاشته بودم کنار و دین رو
گذاشتم کنار و اصلاً و ابداً کم
کتاب نخووندم و کم نگشتم و تمام
روزگار رو ابجکتیویستی و علمی و
پوزیتیویستی گذروندم.

اما وقتی او مدم نظام صوری برای
مفهوم آزادی بنویسم، دوباره هیچ
منبعی غنی از آز این دو پیدا
نکردم.

شوخی نیست اینا. خودتون هم
وقت بذارید می فهمید.

وقتی می‌گم یه زبان و یک ادبیات
برای بسط مفهوم آزادی غنیه

طبعتاً می‌دونید که خلاقیت از آزادی میاد و توسعه اقتصادی از آزادی اقتصادی میاد و تکنولوژی از آزادی میاد و اصلاً آمریکا اگه الان آمریکاست چون نسخه ناقص ولی نسبتاً بهتری از دیگران عملیاتی کرده

یعنی شما علم و تکنولوژی و ثروت و رفاه و همه چی رو که ریشه اش آزادیه رو بسیار غنی دارید.

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد آنچه خود داشت ز بیگانه تمدا می‌کرد

با پوست و گوشت و استخوان و روغنم
این بیت رو درک کردم

بریتانیایی‌ها و روس‌ها هر دو می‌دونستن و می‌دونن مبارزه با زبان فارسی، یعنی برداشتن بزرگترین سد برای بردگی کشور مقصد.

بریتانیا تا پاش به هند باز شد، زبان فارسی رو که زبان اداری و الیت هند بود رو حذف کرد.

روس‌ها هم تمام تلاششون رو کردند، تخم تجزیه طلبی رو در همه جای ایران کاشتند.

حالا هم توطئه بزرگ، آموزش «به» زبان مادریه، در حالی که آموزش زبان مادری اقوام بسیار خوبه، این «به» تمام توطئه است.

باید این «به» رو جا بندازند تا ایرانیان، زبان مشترکی که مثل زنجیر تمام این تمدن رو وصل کرده نداشته باشند. بعد راحت‌تر به فارسی و ایران حمله کنند.

ادبیات فارسی که وجب به وجیش، آموزش آزادی واقعیه. شیطان هم دشمن آزادی. هیچ نمونه‌ای در زبان‌های اقوام برای مفهوم آزادی، جایگزین ادبیات فارسی نیست. به گرد پایش هم نمی‌رسند.

15:50

از اهداف تصویب قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول (ساختمان‌ها و املاک و زمین‌ها) اعتبار بخشی به جایگاه اسناد رسمی و تسهیل در صدور آن می‌باشد.

معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم
دادگستری استان تهران

15:50 • IR-MCI

نقض رسمی آزادی و دین، همین
اقدام دولت (شیطان) بوده.

از ویژگی‌های اسلام، اینه که شما
می‌تونید هر قراردادی رو تنظیم کنید
و داور تعیین کنید ولی هیچ نفر
سومی مثل دولت ازش آگاه نباشه.

شیطان داره مثل مورچه ای سیاه
روی سنگی سیاه در تاریکی شب
حرکت می‌کنه.

دقیقا یه بحثی چند ساعت پیش راجب
مهریه بود من همین حرفای استوری رو
زدم تو بحث و مورد قبول واقع شد در
حالی قبلانمی دونستم اصلاً مهریه قابل
دفاع هست یا نه یا باید چه کرد اصلاً در
این مورد، ولی با توجه به همون اصول
موضوعه تطبیق دادم فهمیدم



حرف‌ها و استدلال‌ها و گزاره مرکزی تزمن،
همگی اولین بار در ۱۴۰۰ سال اخیر نوشته می‌شن.

شما دارید چیزهای جدیدی می‌خوونید که
شیطان با تمام قوا از در حال پنهان کردنشون
بوده.

منم در حال مبارزه مستقیم با شیطان با سلاح
عقل و استدلال و با محوریت آزادی هستم.

اصل کار من، همون رمزگشایی این
بود که دین برای آزادی او مده. تمام
اینا رو دارم با همون آکسیوم‌ها،
تدریجی تولید می‌کنم.

تنها نظام صوری با ثبات برای مفهوم آزادی، دین است. (نه اینکه دین و آزادی تناقض دارند یا ندارند که زور همه فلاسفه بوده، بلکه واحد هستند و یکی نظام صوری برای دیگری است)

دین هم همان اسلام و تشیع هست.

و این گزاره برای اولین بار در ۱۴۰۰ سال آخر داره بیان میشه

و همانطور که می بینید، با ثبات و کانسیستنت، چقدر همه گزاره هایی که می نویسم با عقل سلیم سازگارند و اصلا در مقاومت برای نفهمیدن آن، ناتوانید.

ایران و زبان فارسی، آخرین سنگر آزادی (و نظام صوری آن دین) است.

برای اجرای قانون نصف نصف
شدن اموال بعد از ازدواج در
آمریکا و اروپا:

پیش نیاز اینه که «دولت یا همون
شیطان» تمام مسیر و اطلاعات
کسب درآمد و خرید و فروش
اموال و دارایی های هر زوج رو
داشته باشه تا نصفش کنه.

حال که بگه فهمیدید آزادی یعنی رهایی از
دولت دولت کوچکتر آزادی بیشتر، داخله
دولت یعنی زمینه سایی بندگی غیر خدا کردن.
بیدا کنید برقرار فروش را!

شیطان این شکلی مثل مورجه ای
سماه در تاریکی شب روی تخت
ستگی سیاه حرکت من کنه.

سلام یه سوال در اسلام هم که عنوان
مشخص شدن اموال مطرحه و دختر
نصف پسر ارث میبره در اینجا هم باید از
اموال اطلاعات دقیق داشت پس فرقش
چیه که قانون غرب اینجا نقد شده

چون پدر اموالش رو برای فرزندانش افشا
می کنه
نه برای دولت.
اگر افشا نکنه، بی صاحب می شن و
بالاخره یکی مثل دولت یا همسایه ها
تصاحب می کنند.

مسئولیت شمایی که این مطالب رو
در این چند ماه اخیر خووندید

بسیار بیشتر از بقیه است

چون دیگه نمی‌تونید بگید یه چیزایی
رو نمی‌دونستم یا بد گفته بودند و ...

شما در قبال آزادی و بندگی غیر خدا
نکردن و رعایت حقوق مالکیت
دیگران، بعداً باید سفت و سخت تر
جواب پس بدید. چون دیگه
نمی‌دونستید.

بین مصباح یزدی و هگل، خطر هگل بسیار بیشتر بوده و مصباح یزدی حتما از هگل افکار بهتری داشته.

اگر هگل و سوسياليست های زاده تفکرات جنون دیالكتیکی نبودند، اساسا چیزی به شکل سوسيالیسم اسلامی و دولت گرا قابل تئوری سازی نبود.

اگر دولت در مراسم اربعین دخالت نمی کرد، کما
اینکه در اقتصاد دخالت نمی کرد،

مراسم اربعین هم شلوغ تر و هم محبوب تر
می شد و هم پول های مردمی داوطلبانه برای با
شکوه تر شدنش بیشتر سرازیر می شد.

اما از اونجایی که ماهیت دولت همان شیطانه،
اربعین با تزریق مخدو وار دولتی، در صورت
تداوم این دست فرمان، به یکی از منفورترین و
خلوت ترین مراسم ها تبدیل می شه.

حسین برای امر به معروف و نهی از منکر
نهاد دولت رفت.

و نهاد دولت الان داره انتقامش رو از
حسین می گیره. چطوری؟ با خرج کردن
دولتی و دولتی سازی مراسم.

اگر دخالت دولت نبود، حتما از جیب خرج این
مراسم می کردم. منتها از جیب خودم با
رضایت خودم، نه از جیب مالیات دهنده و
اموال مردم بدون رضایت.

پول دولتی با مالیات مردم بدون رضایت مردم،
پول غصبیه مثل پول حروم، برکت نداره.

این جمله رو زیاد شنیدید:

«این رو برای عوام گفتند نه من»

طرف چون دکترا داره، یا مدیرعامل شرکت بزرگیه، یا سیاستمدار بزرگیه، یا بازیگر بزرگیه و ... و یا چون در یک تجربه متابیزیکی، فکر کرده به عرفان رسیده و با خدا مرتبط شده (درحالی که با شیطان بوده و چون هیچ راهی برای تشخیصش نیسته که عرفان خطرناکه) و یا چون فالوئر زیادی داره و ...

این هم یعنی در دام شیطان افتادید.

طرف بعد از عرفان می‌گه انا الحق، سبحانی ما اعظم شانی! بعد به این نتیجه می‌رسه دیگه نماز برای بقیه است به من واجب نیست، حالا یه جاهایی نقض حقوق مالکیت دیگران کنم هم اشکال نداره چون من بالاتر از اونام.

نماز، روزه و امنالهم، چه دانشمند باشد چه سبزی فروش، برای شما یکسانه و نمی‌تونید بگید این رو برای کنترل عوام فرستادند. اتفاقاً کنترل دانشمندان و خود برتر بین ها از کنترل عوام مهم تره.

ادامه در آستوری بعد

دین نظام صوری با ثبات برای مفهوم آزادیست

یکی از دلایلش اینه که عده‌ای خودشان را نسبت به دیگری برتر می‌بینند و این باعث می‌شود عده‌ای دیگری به سبب برتری جویی و حسد (همان ریشه سوسيالیسم) نقض آزادی و حقوق مالکیت کنند و ظلم کنند.

به همین دلیل یه سری اقدامات تکراری روزمره هست که دست بر قضا نه فقط برای کنترل مردم عادی، بلکه برای کنترل خود برتر بین‌ها به سبب موقعیت علمی یا مالی یا سیاسی و ... هست.

در واقع روزه نه برای به یاد فقرا بودن که برای اینه که بدونی تو در برابر خدا، هیچ پارتی اضافه ای نداری و یادت می‌اره که تهش همه برای خدا برابرند. نماز هم یادآوری روزانه همین نکته است. هر روز باید یادآوری بشه که تو هیچ برتری ای برای نقض اراده آزاد دیگران و حقوق مالکیت و آزادی دیگران در برابر خدا نداری.

هر کس گفت فلان چیز برای عوامه

من از اون آدم بیشتر از شیطان می‌ترسم.

فلسفه برخی و ظایف دینی، دقیقاً یادآوری برابری همه انسان‌ها در انجام اونا در برابر خداست و این یادآوری روزانه برای اینکه توهمند خود برتر بینی برای نقض حقوق مالکیت و آزادی دیگران به انسان دست نده، کلیدی و حیاتیه.

یکی از بزرگترین ناقضان حقوق مالکیت و آزادی و اراده آزاد دیگران، او نجاست که یکی خودش رو برتر از دیگران می‌بینه، شیطان از طریق روش‌های عرفانی و متافیزیکی بهش این توهمند رو میده که رسالت از خدا داره و حالا جایی نقض حقوق دیگران کرد یا وظایفی رو انجام نداد هم در راستای رسالت‌اش اشکال ندارد.

و خروجی همینا میشه استالین و هیتلر و همه کسانی که یا به زور خواستند شما رو بهشت ببرند، یا خواستند بهشت را در زمین بر پا کنند.

حذف دین و ناپودی دین در یک جامعه برای شیطان آرزوست.

چون اون موقع این یادآوری های روزانه برابری همه در مقابل خدا و این یادآوری های روزانه برای جلوگیری از خود برتر بینی

همه از بین می‌زن

و ملاک برتری، می‌شه ابجکتیویستی:
پول، مدرک، منصب و ...

اونوقت افراد جامعه به خودشون مجوز می‌دن که از دیگران خودشون رو برتر بدونند و صلاحشون رو تشخیص بدن و نتیجتاً نقض حقوق مالکیت آزادی و اراده آزاد کنند. آرزوی دیرینه شیطان.

بعد از دیکتاتوری کلیسا

و ظهور مارتین لوثر و پروتستانتیسم و
سپس کالوینیسم و ...

ثروت و ثروت افزایی شد یک ارزش دینی و این فرهنگ در غرب به وجود آمد که اگر کسی ثروتمنده، به خدا نزدیک تر و دیندار واقعی تریه و ...

این شد مسیر سنت مسیحیت منتهی به لیبرالیسم. و از اونجایی که ملاک برتری نزد خدا رو ابجکتیویستی کردند، باز راه ورود شیطان باز شد. عده ای خودشون رو برتر دیدند و دنبال برتری جویی افتادند و محیط زیست آسیب خورد، جنگ ها کردند و آدم ها کشتند و نقض آزادی کردند.

اما اسلام و تشیع مطلقاً اینطور نیست و سنت بسیار قوی تری برای آزادی واقعی دارد.

ملاک برتری نزد خدا تقواست. تقوا هم یعنی یادآوری روزانه این که تو از دیگران برتر نیستی، تو حقوق مالکیت دیگران رو نقض نمی‌کنی، تو آزادی دیگران رو نقض نمی‌کنی، تو به ضعیفترها کمک می‌کنی (تا ضرورت بزرگ شدن دولت یا همون شیطان برای کمک ایجاد نشه)

و در تمام جای جای اسلام، حقوق مالکیت و تبادل داوطلبانه آزاد به شکل بازار، تضمین شده و ثروتمند شدن از راه کارآفرینی در نبود ربا (اعلان جنگ مستقیم به خدا) ارزشمند بوده.

کسانی که می‌گن آزادی از سنت مسیحیت او مده و اسلام و شیعه بدھ، با همه اشون به هزار و یک شکل حاضر به مناظره هستم.

اگر ملاک برتری نزد خدا، تقوا باشه

که آبجکتیویستی نیست و محدود به یک چیز نیست و گستره‌ای از فعالیت‌های تضمین کننده آزادی خود و دیگرانه

بستر جامعه برای آزادی و حقوق مالکیت به مراتب آماده تره تا اینکه ملاک ارزشمندتر بودن و به خدا نزدیکتر بودن فقط افزایش نروت باشه.

همه اینا خروجی گزاره «تنها نظام صوری برای مفهوم آزادی، دین است» بوده. یک گزاره دیسراپتیو که برای اولین بار، تمام دین رو با عقل سازگار کرده و تمام چیزهایی که از دین نمی‌فهمیدیم رو مثل کرم کارامل به عمق جان برده

در واقع هرجا آزادی نقض شد، دین نقض شده. آزادی هم یعنی حقوق مالکیت. دیگه از این فرمول سر راست تر؟

مردم [در ابتدای تشکیل اجتماع] گروهی واحد و یک دست بودند [و اختلاف و تضادی در امور زندگی نداشتند]، پس [از پدید آمدن اختلاف و تضاد، نهاد دولت به وجود آمد و آزادی را تهدید و تحديد کرد] خدا پیامبرانی را مژده دهنده و بیم رسان برانگیخت [پیامبرانی که رهبران آزادی زمان خود بودند]، و با آنان به درستی و راستی کتاب را نازل کرد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند، داوری کند.

[چون دین، نظام صوری با تبات برای مفهوم آزادی است، آن گاه در خود کتاب اختلاف پدید شد و دین توسط همان دولت ها مصادره شد] و اختلاف را در آن پدید نیاوردند مگر کسانی که به آنان کتاب داده شد، [این اختلاف] بعد از دلایل و برهان های روشن و آشکاری بود که برای آنان آمد، [و سبب آن] برتری جویی و حسد [ریشه سوسياليسم] در میان خودشان بود. پس خدا اهل ايمان را به توفيق خود، به حقی که در آن اختلاف کردند، راهنمایی کرد. و خدا هر که را بخواهد به راهی راست هدایت می کند. (۲۱۳) سوره بقره.

الآن ۲۱۳ بقره بهتر قابل فهمه

معنا و مفهوم آزادی هیچ تغییری نکرده

تمدن که به وجود آمد، یعنی حقوق مالکیت که معنا پیدا کرد، تعریف آزادی هم شفاف تر شد و وقتی دولت در جوامع شکل گرفت، معنای آزادی هم کامل شد. حقوق مالکیت و رهایی از دولت.

فلذا دیگه به هیچ حرف اضافه ای راجع به مشخص شدن معنای آزادی و تحقق آزادی نیست.

تمام حرف های لازم رو خدا از طریق پیامبر گفته و حتی یک واو اضافه نیاز نداریم.

به همین دلیل اصلا نیازی نیست که پیامبر جدیدی بیاد قطعا هرکس چنین ادعایی کنه شیاده.

من اتفاقا بعد از خووندن هایک و میزس و روتبارد فهمیدم نبوت و خاتم بودن پیامبر یعنی چی. چون دیگه هیچ حرف اضافه ای برای مفهوم آزادی نیاز نیست! چرا باید نیاز باشه کس دیگه ای بیاد؟

من تازه فهمیدم و فکر کنم اولین بار
در ۱۴۰۰ سال اخیر اینقدر شفاف و
دقیق فهمیدم ماجرا رو

که دین خدا با محمد کامل شد،
چون مفهوم آزادی کامل شد و نتیجتاً
نظام صوری با ثبات برای مفهوم
آزادی یعنی دین کامل شد.

و دیگه نیاز به هیچ حرف اضافه‌ای
برای آزادی نیست. وقتی نیاز نیست
یعنی کامل شده و هرکس بیاد ادعای
جدیدی برای مفهوم آزادی بکنه داره
کپی برداری می‌کنه.

و وقتی کامل شده یعنی تنها نظام
صوری برای مفهوم آزادی دین است و
تمام شد رفت.

مشکل جنون دیالکتیک و استدلال های دیالکتیک و استفاده از آون در عرفان به هر شکل و در هر دین و مسلکی اینه که:

اینا کلا متأفیزیک رو با خدا یکی می‌گیرند.

در حالی که ما هیچ تعریفی برای خدا در اصل نداریم و نمی‌توانیم داشته باشیم.

شاید خدا در متأفیزیک باشد یا نباشد، اما

اما

شیطان حتما در متأفیزیک هست و دام های اونجا غیر قابل تشخیصه و اگر فکر کردید فرمولی برای یک انسان برای ارتباط با خدا وجود داره که عده ای پیدا کردند، خود این حرف غلطه. چون ارتباط با خدا رو انحصاری می‌کنه به خودشون.

برای همین میشه با اطمینان گفت کسی که تجربه عرفانی درستی داره، زبانش لال می‌شه، اما کسی که از عرفان حرف می‌زنه، حتما با شیطان در ارتباط بوده و با خدا اشتباه گرفته.

ما در نظام های صوری

در ۳ بعد مکان و یک بعد زمان
اصول و قواعد منطقی و عقلی و عینی
برای تشخیص دام ها و فریب ها داریم.

اما در جنون دیالکتیک، در متافیزیک
و عرفان، هیچ فرمولی برای
تشخیص شیطان و دام های شیطان
نداریم.

اگر شیطان در زمین به هزار شکل در
میاد، در متافیزیک به میلیاردها شکل
درمیاد.

اصلاً اونجا زمین بازی خودش.

عرفان
فال
جادو
جن
احضار روح

همه این قماش، در بهترین حالت اگر راست بگن، با
شیطان در ارتباطند.

خداوند قابل انحصار و فرموله کردن نیست که عده ای
بیان حالا فرمول رسیدن به خدا رو برای ما شرح بدن!

با عقل سازگار نیست که کسی فرمول ارتباط با خدا رو
به دست بیاره و بخواد به بقیه شرح بده!

مثل اینا که پکیج موفقیت و ثروت و مالی
می فروشنند، اگه فرمولش رو بلد بودند
خودشون پولدار می شدند! به ما
نمی فروختند.

فرمول ارتباط با خدا رو هم اگر کسی کشف
کنه به ما نه مفت میده نه می فروشه!

کسی که واقعا چنین شانسی داشته باشه، حتما
لال می شه. حتما هم فرمولی نداره، حتما هم
نمی تونه تشخیص بده درست بوده یا نه. حتما هم
انحصارش در دست فرد یا عده خاصی نیست.

به همین دلیل کلا حرف از عرفان و متأفیزیک به هر شکلی که از دهن کسی خارج بشه، چیزی جز فریب شیطان یا کلاهبرداری نیست.

زندگی خودتون رو به چیزی که از قبل بازنشده آید آلوده نکنید.

عرفان و فال و جادو و این حرف ها، زندگی شما رو به مراتب از هر چیزی که تصور کنید بیشتر آلوده می کنند. دری رو باز می کنند که دیگه راه نجاتی نداشته باشید.

برتری نظام های صوری و منطق اینه که راه کلاهبرداری و فریب شیطان رو کامل می تونه بیند.

ولی جنون دیالکتیک، همیشه تباہی بوده، همون طور که دیالکتیک در همه حوزه هایی که استفاده شده خون بار و تباہی کامل بوده.

ریشه جنون دیالکتیک
هر اکلیتوس، عاشق جنگ، جدال،
جمله هر اکلیتوس عیناً از زبان هیتلر در آمده، از زبان
مارکس در او مده.

ریشه فکری و استدلالی و تبارشناصی همه
موارد نیزیکی هست و جنون دیالکتیکه و
سر دسته اشون هگله:

انواع جمع گرایی (سوسیالیسم، مارکسیسم، کمونیسم،
فاشیسم، نازیسم، فمینیسم و ...)

انواع عرفان (در همه ادیان) از عرفان یهودی کابala
گرفته تا عرفان مسیحی و اسلامی تا عین القضا
همدانی!

گنوسی ها غنوصی ها که در جعل حدیث و نفوذ در تمام
تاریخ تا امروز، معطل بودند.

روزاکروسین ها، فراماسونی

دولت گرایی، دولت پرسنی، کینزین ها در اقتصاد.
آنثیست ها

خلاصه: قابشی طالن و دشمنان آزادی
رو نشونه گرفتم و منتظر سیلی از
حملات مختلف.

تیم شیطان اینان

در تمام طول زندگی ما

اینطوری بوده که دائم می‌گفتند دین
خرافاته و عامل تباہی

اما داریم با چشم می‌بینیم که دین
بزرگترین دشمن خرافاته.

داریم با چشم می‌بینیم که دین منطقی
ترین و علمی ترین زندگی رو توصیه
می‌کنه.

داریم با چشم می‌بینیم که دین
چطوری افسار علم و دولت رو می‌کشه
تا با هم دستی، نقض حقوق مالکیت و
آزادی و اراده آزاد نکنند

جبهه دشمنان دین حتی در لباس
دین هم ظاهر می‌لشن.

[عرضه
دال
جن
امضادرجه]

همه این غماض، در پیغمیری حالت اگر را ساخت بگن، با
شیطان در ازیانه اند

خداوند فارل المصادر و فرموله کردن بست که عدد ای
بیان حلال نمودهون بسیان به خدا و برای ما شرح بدینا
با مطلع سازی از زیست که کسی فرعول ایقانه باشد ازو
به دست پیاده و پیغوار به بقیه منزع بدها

مثل اینها که یکچیج موقفیت و قوت و مالی
من فروشنده، اگر فرموله شد بودند
خودشون پواماده می‌شدند اما به ما
نمی‌فروختند.

فرموله ازیانه را خدا و هم اگر کسی کشف
کنه به ما نه مفت میده له هی فروشها

کسی واقعاً جنون شناسی اشتهه باشه، حتماً
لار می‌شده، حتماً هم فرموله نداره باشه، حتماً هم
نهن نوونه شخصیت بدده دیست بوده باهه، حتماً هم
الخصوصیت در دست فردیا عده خاصی نیست.

سعدي برای همینم بيت داره :(((())])

ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز
کآن سوخته را جان شد و آواز نیامد

این مدعیان در طلبش بی خبرانند
کآن را که خبر شد خبری باز نیامد

You replied

سعدي برای همینم بيت داره :(((())])

ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز
کآن سوخته را جان... see more

چون این زبان فارسی، گنجینه مفهوم
آزادیست



JannatKhah

@jannatkhah_ir

⋮

با جماعتی مدعی سواد و فلسفه سرو کار داریم که
نمی دونن اپیستمولوژی پراکسیولوژی میزس با کانت
شبيه بوده نه با هگل.

عجیبه، باور نمی کنن که میشه حرف جدید و درستی
زد
فکر می کنن فقط باید تکرار حرف دیگران رو حفظ کرد
و زد

استخراج پراکسیولوژی میزس از هگل، شبيه پرورش
موز با بذر پرتقاله

دوستان ببخشید چون من تعمداً قلنبه
حرف نمی زدم که مخاطب راحت بتونه به
محتوا فکر کنه، فکر می کردن سوادش رو
نداریم. مجبور شدم اینجا.



JannatKhah
@jannatkhan_ir

⋮

البته اگه قرار نیست دوباره به جنت خواه فحش بدید
و بگید بی سواده:

مطلوب خوبی از موسسه فون میزس!
البته مرحوم گه خورد ما سیاه می پوشیم

[mises.org/power-market/...](https://mises.org/power-market/)

Translate post

MISES INSTITUTE

AUSTRIAN ECONOMICS, FREEDOM, AND PEACE



SUPPORT MISES

Power & Market

On Immanuel Kant's
300th birthday: Kant's
Epistemology and Its
Influence on Ludwig
von Mises's Praxeology

دقت کردید از وقتی یه تحلیل کلان ژئوپلیتیک
نوشتم

(مثل نفوذ روسیه در ایران و افغانستان و جنگ
روسیه و خاورمیانه و چین و مسائل ایران و ...)

بقیه هم جز تکرار اخبار روزمره یا تکرار مطالب
قدیمی هیچی **نوشتند؟**

چند وقتی هیچ حرف و تحلیلی هیچ جا که با
خودتون بگید «عجب!» وجود نداره.

منم که قید عمومی نوشتنشون رو زدم.

موضوعاتی که دیگه نتونم با **آزادی مطلق** راجع
بهشون فکر کنم و بنویسم رو از روی میز می‌ذارم
کنار، چون خلاقيتم در نبود آزادی مطلق آسيب
می‌بیند.

(این در رابطه با همه من جمله خودتان هم صادقه،
ولی احتمالاً دقت نکردید بهش)

همون طور که تتلو نمی‌تونه اتفاقی یه
آهنگ مثل موتزارت بسازه

یا ایرج ملکی نمی‌تونه یه فیلم کاندیدای
اسکار بسازه

تحلیل و پیش بینی هم همینه.

آهنگساز زیاده ولی موتزارت کمیابه،
کارگردان هم زیاده ولی نولان کمیابه.
تحالیلگر هم زیاده!



Elon Musk



@elonmusk

Subscribe



Atheism left an empty space
Secular religion took its place

But left the people in despair
Childless hedonism sans care

Maybe religion's not so bad
To keep you from being sad

12:46 · 18 Sep 24 · 1M Views

آتئیسم یه جای خالی می‌ذاره، دین سکولار جاش رو می‌گیره. اما مردم رو ول می‌کنه تو نامیدی. لذت گرایی بی‌فرزند و بی‌مسئولیت. شاید دین او نقدر بد نیست، برای اینکه از ناراحتی نجات بده.

کامل ترین و منحصر به فرد ترین تزممکن
راجع به دین رو دادم ولی حتی آدما حتی از
لایک زدنش ابا دارند.

ولی ایلان ماسک اینطور راحت داره حرفش
رو با میمون بازی و بدون استدلال و بدون
نوع نگاه جدید داره می‌زنه.

کاش این صبر سخت روزی تموم بشه و
مردم و حکومت بفهمند من دارم چی می‌گم.



هومان دوراندیش

ترک انا الحق گفتن، لازمه وفاق است / وفاق، بلوغ
سیاسی می خواهد / وفاق با خود حق پنداری
جور درنمی آید

ایران
دست و قوه مله

Asriran.com

آفرین، حالا بد ه شیش



JannatKhah 🛠️🐝🔍:::
@jannatkhah_ir

یه اتهامی که به همه تحلیلگران واردہ اینه که تحلیل
های متنوع انجام میدن بعد فقط درست هاش رو
نشون می‌دن و غلط‌ها رو پاک می‌کنن

این ایراد درستیه، ولی راجع به من صادق نیست، چون
حتی سوتی ریاضی منم می‌گیرید، اگه چیزی داشتید
تا حالا پاره ام کرده بودید
جلوی چند ده هزار hater، در رو ندارم

[Translate post](#)

1:02 · 19 Sep 24

چند وقت پیش یه سوتی توی حل یه سوال
ریاضی داده بودم زیر ۶۰ ثانیه فهمیدم غلطه
پاک کردم که درست کنم، از اونم نگذشتند،
در حالی که سوتی توی ریاضی طبیعیه.

دیگه حالا شما حساب کن یه تحلیلم
غلط در بیاد، شورتم رو پرچم می‌کنند.

یه چیزی رو تست کنید حتما

هرکس گفت جنت خواه بی سواده و حرفاش چرته،
ازش بپرسید «نظام صوری» یعنی چی و «نظام
صوری با نبات» یعنی چی

به ولای علی قسم با گوگل هم نمی‌تونه جواب بده

فلذا هر وقت کسی فهمید نظام صوری یعنی چی، تازه
می‌تونه راجع به تز آزادی و دین من فکر کنه. اظهار
نظر پیشکش.

اعتماد به نفس ها در حد استاد اسدی بالا است.

بعد از چند ماه تخصصی پیگیری تمام
ایدئولوژی های مختلف دو تا شاخه
اساسی پیدا کردم که به زودی مفصل
خواهید خواند و دید:

به نظر می رسد چیزی به نام
آتئیسم یا خداناباوری وجود
ندارد، تا ۹۵ درصد مطمئنم.

یا شما به خدای ادیان
ابراهیمی ایمان دارید

یا به خدای دیالکتیک

اکثریت کسانی که فکر می‌کنند به خدای ادیان ابراهیمی معتقدند هم در واقع به گونه‌ای از خدای دیالکتیک معتقدند.

خدای دیالکتیک، همان اشکال مختلف شیطان است که از هگل شروع می‌شه و به مارکس (که ادعای بی خدایی داره ولی تمام حرفاش جنسی از دین داره با همون ساختار خدای عرفان‌ها) و هیتلر و عرفان‌های یهودی و مسیحی و فراماسونی و مسیحی و شریعتی و عرفان نظری و ... ختم می‌شه

سنگ محک برای تشخیص چیست؟
موقع نسبت به حقوق طبیعی، حقوق مالکیت، آزادی، رهایی از دولت.
هرکس در دوگانه بازار و دولت، دنبال راه حل‌های دولتی است.

فکر می کنید آزادی و رهایی از دولت ساده است؟

همین الان فکر کنید واحد پولی رسمی
کشور ریال دولتی نبود و هر شرکت و فردی
می تونست واحد پولی خودش رو چاپ کنه.

حتی تصور این آزادی و رهایی از دولت هم
برآتون سخته چون معتاد به دولت شدید.

چون خدای دیالکتیک همه رو بلعیده.
وقتی شما نمی تونید آزادی رو در این
سطح حتی تخیل کنید، به این راحتی
نمی تونید در جبهه اول قرار بگیرید.
 فقط عده اندکی می تونن بدن تو دسته
اول که البته اشکالی هم نداره. هر روز
سعی کنید آزادی رو بهتر بفهمید و
دست کم تخیل کنید.

شما یا به دموکراسی و رای اکثریت
در همه امور معتقدید.

یا معتقدید خداوند به شما حقوقی
داده که کسی حق نداره نقضش کنه
حتی رای ۹۹.۹۹ درصد مردم.

هیچ انتخاب دیگری ندارید.

خدای دیالکتیک می‌گه در طی تکامل اینقدر
هی همه زند هم دیگه رو کشتند و جنگیدند
رسیده به این، باقی مسیر هم همینه.

خدای ادیان ابراهیمی می‌گه من روز اول
که شما رو خلق کردم، آزاد آفریدم. این
بساط ها هم نبوده. یه سری حقوق دارید.
که فقط از طریق دین من بهشون می‌رسید.

شما انتخاب می کنید یا دولت از
شما مراقبت کند

یا خودتون و خانواده اتون از
شما مراقبت کند

تمام دستورالعمل های تجاوز و تعرض
فمینیست ها که از کوین اسپیسی گرفته
تا نامجو توی لیستشون بودند، فقط
برای تشکیل پرونده های قضایی بیشتر
برای فربه شدن دولت و جمع آوری
اطلاعات بیشتر از شهروندان توسط
دولت بوده و دولت هم می دونیم که
شیطانه و نهایتاً ناقض آزادی.

اما راه حل اصلی چی بوده؟

برای اولین بار فهمیدم که خود مراقبتی
موجود در دین و خود مراقبتی خانواده
ها از فرزندانشون، ربطی به تحریر
نداشت، ربطش به این بوده که دولت به
شكل متمرکز از شما مراقبت نکنه تا
آزادی شما حفظ بشه.

چون پایه و اساس دین که قرار بوده
آزادی باشه و هست و توسط شیطان
این واقعیت پنهان شده، در ۱۴۰۰ سال
اخیر گم شده و تمام تفاسیر از دین از
کانسیستنسی در آورده اند، این خود
مراقبتی تبدیل به تحریر و ستم شده.

یعنی چی؟
راه حل چی شد؟

پدر باید بفهمه که مراقب دختر باشد،
نه چون دین گفته بهش زور بگو، چون
باید به میزانی از دخترش مراقبت کنه
که آزاد بمونه، مراقبت از دخترش به
دوش دولت نیفته که همون آزادی از
دستش بره!

خانواده باید مراقب فرزند باشد که
فرزنده آزاد بمونه و روز مبادا، دولت
وارد عمل نشه.

نه اینکه حق انتخاب و اختیار فرزند
به اسم دین سلب بشه.

خانواده باید مراقب ازدواج فرزند باشد، نه
اینکه فرزند اختیارش از دست بره، بلکه آزاد
بمونه و فردا روزی اگر ازدواج به مشکل خورد،
به جای پناه به دولت، به خانواده پناه بیاره تا
دولت به این بهانه درخواست مالیات بیشتر
نکنه، بزرگتر نشه و آزادی تهدید نشه!

۱۴۰۰ سال تفسیر اشتباه کردیم از دین

چون نمی‌دونستیم شیطان این حقیقت
رو پنهان کرده که:
تنها نظام صوری با ثبات برای مفهوم
آزادی، دین است.

و من هر روز دارم رمزگشاییش می‌کنم.
همین که بدونیم آزادی یعنی حقوق
مالکیت و رهایی از دولت، کلهم
اجمعین همه چیز رو می‌ذاره سر
جای خودش در این پازل و تصویر
کامل و نرم و زیبا میشه

همین که تقدم مفهوم آزادی بر دین
رو فراموش کردیم و فکر کردیم این
دو کلمه جدا و بی ربط هستند،
بیچاره امون کرده.

فمینیسم به دنبال این نیست که شما آزاد بشی.

بلکه به دنبال اینه که آزادی شما توسط دولت که یک نهاد بی صاحب هست گرفته بشه.

فمینیسم فقط نمی خواهد شما از مالکیت خانواده خارج بشی.

فمینیسم می خواهد شما از مالکیت خانواده خارج بشی و به مالکیت دولت در بیای

فمینیسم و LGBTQ فلان، به دنبال حفظ حقوق اقلیت نیستند، بلکه به دنبال تحویل مالکیت و مراقبت همه به دولت هستند.

خدای دیالکتیک یا همون شیطان،
اینطور کار خوب رو بد و کار بد رو
خوب نشون می ده

دشمنان تمدن و انسان، همه در تیم خدای دیالکتیک یا همون شیطان هستند.

میلتون فریدمن گفت اگه اداره بیابان رو بدید به دولت، دولت شن کم میاره.

دولت در مملکت با بیشترین ذخایر نفت و گاز، انرژی کم آورده.

اداره حقوق و جمیعت و فرزندان و خانواده رو هم دولت بگیره، نسل بشر منقرض میشه (که مسیر همونه الان با این رشد جمیعت منفی همه کشورهای با مداخله دولتی زیاد)

شیطان تا روز آخر، برای نابودی انسان، تلاش میکنه تا قول خودش به خداوند رو عملی کنه و نشون بده انسان لایق سجده نبوده.

دشمنان این ۴ کلمه، همه در جبهه
نابودی تمدن، نابودی آزادی و در تیم
شیطان هستند.

خدا

آزادی

خانواده

میهن

فمینیسم و LGBTQ به دنبال تخریب نهاد
خانواده هستند
چون برای بزرگ تر شدن دولت (شیطان)
راهی بهتر جز این نیست.

و البته همین یک خط رو هم هیچکس
فهمید. همه فکر می‌کنند نهاد خانواده به
خودی خود مهمه، نخیر، خود خالیش که
 فقط مهم نیست، برای حفظ آزادی و تمدن
مهمه، خودش که فقط یک کلمه است.

همه میگن فمینیسم دشمن نهاد
خانواده است.

خب؟ باشه، مگه خانواده تحفه است؟
اینجا همه اشون پاسخ ندارند که چرا
خانواده مهمه و فمینیست ماجرا بحث
رو پیروز میشه.

ولی الان شما فهمیدید که خانواده
برای حفظ آزادی مهمه.

حالا چطوری به ۹۰ میلیون نفر
بفهمونیم که داشته های فرهنگی و
غنى شما برای حفظ آزادی، مثل
ارزش های خانواده و دین رو،
بدون در نظر داشتن اصل آزادی، به
گند نکشید؟

کلمه و مفهوم آزادی رو از دین و
فرهنگ و خانواده حذف کنی، کل
ستون فقرات همه فروپاشیده میشه
و یهو از عرش آسمان تمدن تا قعر
قالبان و داش سقوط میکنه

فرق نابودی و تعالی دین در جامعه،
پنهان کردن اصل آزادیه.
چرا تا الان کسی اینطوری دین رو
نگفته بود؟ چون شیطان تلاشش همین
بوده ولی مچش رو میخوابوئیم.

مفهوم آزادی گم شده

ایران با جهش اقتصادی و علمی و فرهنگی فقط و فقط فهمیدن معنی همین یک کلمه رو فاصله داره

تمام زیرساخت های فرهنگی و اجتماعی و دینی و تاریخی و معدنی و انرژی و ... داریم.

به خدا قسم هیچ کشوری در دنیا همه اینا رو نداره.

مفهوم آزادی رو که همه بفهمند،
نخ تسبیحی میشه که همه این
مهره ها رو بهم وصل میکنه.
من فقط یه چشمeh های کوچکی
رو دارم کشف میکنم هر روز.

خدای آزادی

یا خدای دیالکتیک (شیطان)

گزینه سومی وجود نداره

فکر می کنید چرا اینقدر توصیه شده که به پدر و مادر نیکی کنید و حتی اف به او نگیرد؟

با اصل آزادی و رهایی از دولت جواب روشه.

خانواده ای که ضامن آزادی فرزند بود، حالا وقتی شه، فرزند، بیمه عمر پدر و مادر باشه تا آزادی هر دو از دولت تضمین بشه. چون به زودی خواهید دید که بحران بازنشستگی حاصل از دولت چطوری گریبان همه رو می گیره. برای همین می گن فرزندآوری کنید.

منتها فرزندان در خدمت تامین اجتماعی و سازمان های بازنشستگی هستند و با واسطه، خب بازنشستگی به پدر و مادرها می رسه.

نتیجه هم روشه، شیطان دولت همه رو می بله و چیزی به سالمدان نمی رسه.

اگر فرزندان در پیری مراقب سالمدان خانواده نباشند، دولت این نقش رو به عده می گیره و برآش مالیات می خواد تا شیطان فربه تر بشه.

شیطان تصمیم گرفته از طریق دولت ها، بشر رو تا نابودی کامل بیره تا به خدا ثابت کنه انسان لیاقت سجده نداشته. در واقع با نابودی انسان، دیگه ضرورت سجده به انسان از بین بره!

دکتر من گیم که چرا اینقدر توصیه نمده که به بدر و مادر

لیکن کیف و چیزی اف به اونا لایک؟

با اصل آزادی و رهایی از دولت جواب روشنگ.

خانواده ای که ضامن اجتماعی فرزند از دارد، حالاً وظایف

فرزند، بهم عمر بزرگ مادر و پسرها نیز از دولت

نکنند پس، خود به خود خواه همچویه بجهان

پالاسکنگ حامل از دولت جلویی گیریان ممکن نداشته باشد

و من کوکارهای از همین طبقه نیز از این فرزندان را نمی‌بینم.

منهای فرزندان در خدمت ائمه اعلیٰ امام حسن و امام علی

پالاسکنگ مستعد با اصلیه، غیر پالاسکنگ به بدر

و مادرها من نمی‌بینم.

تنهیه هم در دوست، شفایع را شدیده نمی‌بینم و چندی

اگر فرزندان در بینیم برای ساماندان خانواده

پالاسکنگ دولت این قدر نداشته باشد من کوکارهای

مالیاتی هم خود را نا مطابق نمایند و این را نمی‌بینم.

پیغایران تضمین کرده از طریق دولت ایشان، شفایع

تا بایوی کامل بوده تا به حد ایشان که انسان

لایات مسدده نداشته باشد واقع نایابی انسان.

دیگه ضرورت مسدده به انسان آینین بوده

و این این بوده

خدای من 😊 امروز داشتم به حرفات فکر
می‌کردم واینکه اگه دولت کوچیک باشه
و مالیات نباشه، تکلیف بازنشتگی چی
میشه؟ و خب جوابش رو به وضوح دادی



خانواده
کسب و کار خانوادگی
فرزند صالح
با بچه ات درست رفتار کن که وقتی پیر
شدی بیمه ات بشه. ولت نکنه بره

آزادی فرزند در عین حال مراقبت ازش در
برابر خطرات و شکست ها و تربیت سالم
میشه بیمه عمر به شکل قدرشناصی فرزند
و آزادی در پیری

به همین دلیله که خون جوان چیزی
نیست که جامعه ازش بگذرد.

خانواده برای آزادی و رهایی از دولت، چیزی بوده که از اول تاریخ تا اینجا صادق بوده.

اما ممکنه تنها راه حل نباشه.

آزادی مفهومیست که انتها ندارد.

چه بسا با رسیدن به آزادی، ایده ها و راه حل های بدیع دیگری به وجود بیاد که ما ازش بی خبریم.

اینکه خانواده مهمه بحتی نیست. اما اینکه آزادی همینجا تموم میشه اینطور نیست.

این نکته رو مدنظر داشته باشید.

ولی اینکه راه حل مسائل جز از آزادی نمی گذرد، یک ایمان است. ایمان از جنس ایمان به خدا و دین.



JannatKhah
@jannatkhan_ir

⋮

فراماسونری این همه آسمون و ریسمان چشم و مثلث بافتمن نداشت و نداره.

فراماسونری، همون کیش توتالیتارینیسم پنهان دولتی به شکل زندان بزرگ با میله های نامرئیه.

فراماسونری همون دولت پرستی و کنترل دولتیه.

و مدت هاست که نوشتتم آزادی یعنی رهایی از دولت و دولت در واقع همان شیطان است و بس.

[Translate post](#)

سر صحی ناگهان کشف جدیدی کردم.

با این تز آزادی و دین، عملا جواب همه سوالات واضح شده دیگه خودم از سرعت یافتن نتایج این تز خودم ناتوان شدم.

تمام سوالات مهم تاریخی و سیاسی و اقتصادی عملابه با ثبات ترین و کانسیستنت ترین شکل ممکن داره درمیاد باهاش.